

کوشش برای بازسازی ساختار اقتصادی ایران در دوره رضا شاه

(با تکیه بر تئوری اقتصاد ملی فردریک لیست)

مسعود دادبخش*

حسین سلیمی**

چکیده

در دوران حکومت رضا شاه در ایران (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ه.ش / ۱۹۲۵-۱۹۴۱ م)، ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور دچار تحولات گسترده‌ای شد. با توجه به تجربه ضعف و انفعال اقتصادی دولت‌های مشروطه، بسیاری از صاحب‌نظران بر ضرورت تحول اقتصادی کشور تأکید داشتند و حاکمیت پهلوی را ملزم و قادر به اجرای تحولات اقتصادی در کشور می‌دانستند. حاکمیت رضا شاه برای پاسخگویی به این مطالبات متأثر از گفتمان ناسیونالیستی آلمانی، سعی در پیاده‌سازی تئوری‌های ملی‌گرایانه و تمرکزگرایانه در ایران داشت. در این ایام یکی از مهمترین تحولات ایجاد شده در آلمان، پایه ریزی تئوری «اقتصاد ملی» بر پایه نظریات «فردریک لیست» - اقتصاددان ملی‌گرای آلمانی - بود. تئوری‌های اقتصادی وی که تحت عنوان تئوری «اقتصاد ملی» در میانه‌های سده ۱۹ میلادی به رشته تحریر درآمد، بر ناسیونالیسم، تمرکزگرایی اقتصادی و ملی کردن تمامی منابع اقتصادی کشور تأکید داشت. این پرسش اصلی در مقاله مطرح است که اقدامات ملی‌گرایانه اقتصادی حاکمیت رضاشاه چه بوده و چه نسبتی با اندیشه‌های فردریک لیست داشته است؟ از این رو، نویسندگان مقاله حاضر با مطالعه و روش توصیفی - تحلیلی

* دکترای تاریخ، دانشگاه خوارزمی و پژوهشگر بنیاد ایران‌شناسی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

dadbakhsh.masoud@gmail.com

** دکترای تاریخ، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، salimihosein10@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

موضوع را مورد بررسی و واکاوی قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، دولت مطلقه مدرن رضاشاهی برپایه گفتمان ملی و حمایت بخشی از روشنفکران ایران، تلاش داشت تا با ایجاد تحول در زمینه‌های مختلف اقتصادی زمینه‌های لازم برای ایجاد اقتصاد ملی و ادغام اقتصادهای خرد محلی در این اقتصاد را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: رضا شاه، اقتصاد ایران، تئوری اقتصاد ملی، فردریک لیست.

۱. مقدمه

اقتصاد ایران در دوران قاجار به شکلی سستی اداره می‌شد و تجار و تجارخانه‌های بزرگ نقش تعیین کننده‌ای در سرنوشت اقتصادی کشور داشتند. با وقوع انقلاب مشروطه روشنفکران ایرانی در پی حل مشکلات اقتصادی کشور و دستیابی به اقتصادی پویا بودند و برای پیشبرد اهداف خود به نظریه‌پردازی در مجامع روشنفکری ایران و مطبوعات می‌پرداختند؛ لیکن دیدگاه‌های اقتصادی آنان که شاید مهمترین آن‌ها تأسیس بانک ملی بود به دلیل کارشکنی‌های گوناگون خارجی و داخلی با شکست مواجه شده و ابر باقی ماندند. در سال‌های پس از مشروطه و با وقوع جنگ جهانی اول و اشغال بخش‌هایی از کشور توسط دول متفق، معضلات اقتصادی کشور دو چندان شد و به دلیل بروز ناامنی در راه‌های تجاری کشور امر تجارت نیز در جامعه مختل گردید.

در سال‌های پایانی دوره قاجار برخی از صاحب نظران ایرانی که ضعف اقتصادی را یکی از مهمترین دلایل عقب ماندگی فرهنگی در ایران و نتیجتاً فقدان تربیت ملی در کشور می‌دانستند به تئوری پردازی در این زمینه پرداختند. مطبوعات این دوره مملو از مقاله‌هایی در تحلیل اقتصاد کشور و ضرورت ارتقای آن بود. متفکران سیاسی کشور، نخستین گام برای تقویت روح ملی در میان ایرانیان را تقویت بنیه اقتصادی کشور و فرد فرد اتباع ایران می‌دانستند و معتقد بودند از این رهگذر است که ایرانی سربلند شده قدرت تفکر در مورد چیزی غیر از معاش خود را خواهد داشت و به آرمان‌های ملی اهتمام خواهد ورزید (بیات، ۱۳۷۱: ۱۳۳-۱۱۷).

به‌طور نمونه علی‌اکبر داور اعتقاد داشت ناسیونالیسم و تکوین و تکمیل و حتی دگرگون‌سازی هویت ملی ایرانی، سبب ایجاد وحدت ملی و نهایتاً وحدت اقتصادی خواهد شد و متقابلاً وحدت اقتصادی باعث تقویت بن مایه‌های ملی ایران خواهد بود. وی با

معرفی آلمان و ژاپن به عنوان الگوهای مترقی در امر پیوند اقتصاد و هویت ملی چنین عنوان می‌کرد که:

اگر ژاپن و یا آلمان در اندک مدتی به قدرتهای اقتصادی زمان خود تبدیل شدند، دلیل اصلی اش آن بود که این قدرتها ابتدا وحدت ملی را در سرزمین‌های خود مستقر کردند، ناسیونالیسم را به مثابه ضامن وحدت ملی قرار دادند و آنگاه کوس برتری طلبی زدند و به رشد و شکوفایی اقتصادی دست یافتند. (داور، ۱۳۰۱: ۱).

با قدرت‌گیری رضا شاه به تدریج امنیت راه‌ها و شهرها بیشتر از پیش شد و این امر باعث رضایت ملاکین و بخش زیادی از تجار و رونق اقتصادی کشور گردید.^۱ از سوی دیگر اندیشه‌های ناسیونالیستی رایج در میان روشنفکران و دگران‌دیشان جامعه که در سال‌های ابتدایی از حامیان اصلی حکومت وی به شمار می‌رفتند، حکومت رضا شاه را به سمت شبیه‌سازی تئوری‌های ملی‌گرایانه و پیاده‌سازی ناسیونالیسم آلمانی در ایران سوق داد. یکی از مشخصه‌های اصلی ناسیونالیسم آلمانی که بر پایه نظرات متفکران بزرگی مانند فیخته^۲ و فردریک لیست شکل گرفت، تئوری «اقتصاد ملی» بود. فردریک لیست در کتابی که تحت همین عنوان به رشته تحریر درآورد، دولتی کردن اقتصاد کشور، کاهش واردات و افزایش صادرات، ملی کردن منابع اقتصادی کشور و ... را عامل اصلی پیشبرد اهداف اقتصادی کشور می‌دانست. این تحولات اقتصادی چندین دهه پس از مرگ وی و در دهه‌های ابتدایی سده بیستم میلادی به تدریج آلمان را به یک قدرت بزرگ سیاسی و اقتصادی در جهان تبدیل کرد؛ که این امر موجب تهییج سایر کشورهای جهان برای الگو برداری از اصلاحات اقتصادی کشور آلمان شد.

مسئله اصلی در پژوهش حاضر بررسی تحولات اقتصادی در دوره رضا شاه و میزان تأثیرپذیری این تحولات از تئوری اقتصاد ملی فردریک لیست است. آنطور که به نظر می‌رسد متفکران اقتصادی ایران نیز در این ایام متأثر از اصلاحات اقتصادی آلمان سعی در پیاده‌سازی تئوری **اقتصاد ملی** در کشور داشتند، از این‌رو اقدام به انجام اصلاحات گسترده-ای در زمینه‌های صنعت، کشاورزی، قوانین گمرکی، تأسیس بانک ملی و ... نمودند.

بنابراین، سعی شد تا با بررسی اصلاحات صورت پذیرفته در حوزه‌های مختلف اقتصادی در دوره رضا شاه و مطابقت این تغییرات با سرفصل‌های تئوری اقتصاد ملی، چگونگی تأثیرپذیری اصلاحات اقتصادی انجام شده در این دوره مورد واکاوی قرار گیرد.

۱.۱ ضرورت تحقیق

حکومت رضا شاه به عنوان دروازه‌های ورود به دنیای مدرن و آشنایی عامه مردم با واژه‌هایی مانند: ملت، ناسیونالیسم و ... به یکی از مهمترین حکومت‌های تاریخ ایران تبدیل شده است. در این دوره تغییرات بسیاری در دیدگاه‌های فکری، ساختار معیشتی، مدل زندگی و بافت اجتماعی جامعه پدید آمد که بیشتر آن‌ها ناشی از تحولات گسترده اقتصادی ایجاد شده توسط حکومت بود؛ که این تحولات بیشتر تحت تأثیر تغییرات صورت گرفته در کشور آلمان و بر پایه ناسیونالیسم و تئوری «اقتصاد ملی» صورت پذیرفت. از این رو نگارندگان این پژوهش تلاش دارند، به دلیل اهمیت تغییرات اقتصادی دوره رضا شاه در تغییر مدل زندگی و بافت اجتماعی جامعه ایران، این تحولات را مورد واکاوی و بررسی قرار دهند.

۲.۱ روش تحقیق

این مقاله به شیوه کتابخانه‌ای تدوین شده است و تلاش دارد تا با روشی توصیفی - تحلیلی به بررسی منابع کتبی، اسناد و روزنامه‌های دوران پهلوی اول بپردازد و تئوری‌های اقتصادی آن حکومت را مورد ارزیابی قرار دهد. در مقاله حاضر ارتباط بازسازی ساختار اقتصادی ایران به عنوان متغیر وابسته با تئوری اقتصاد ملی به عنوان متغیر مستقل مورد بررسی قرار گرفته است. نکته قابل ذکر آن‌که در این پژوهش اسناد سازمان اسناد ملی کشور با نام اختصاری ساما ارجاع داده شده‌اند.

۳.۱ پیشینه تحقیق

فردریک لیست و اندیشه‌های اقتصادی وی، در ایران چندان شناخته شده نبوده و از این رو موضوع و محور پژوهش‌های زیادی قرار نگرفته است. از وی چندین عنوان کتاب به جای مانده، که تنها دو مورد از آن‌ها با نام‌های «نظام ملی، اقتصاد سیاسی» و «اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها» در سال‌های گذشته به زبان فارسی ترجمه شده است. در این دو کتاب نویسنده تلاش دارد تا تئوری اقتصاد ملی را به عنوان الگویی مناسب و قدرتمند برای کشورهای غالباً اروپایی معرفی کند.^۳

تنها اثری که در آن نویسنده به تأثیرات تئوری اقتصاد ملی بر اقتصاد ایران در دوره رضا شاه اشاره مستقیم دارد، توسط غلامعلی وحید مازندرانی، به رشته تحریر درآمده است. وی در کتابی که تحت عنوان «اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران» در سال ۱۳۱۶ به چاپ رسیده است، تلاش دارد تا الگوهای تئوری اقتصاد ملی را با اصلاحات اقتصادی صورت پذیرفته توسط رضا شاه تطبیق دهد (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶). وی این اصلاحات را ناشی از تفکرات ملی‌گرایانه حکومت دانسته است و تئوری اقتصاد ملی را راهگشای اقتصاد ایران در آن دوره می‌داند. در این پژوهش به نکات مهم و قابل توجه‌ای در حوزه اقتصاد ملی اشاره شده است اما به دلیل سال نگارش کتاب و وابستگی نویسنده به دستگاه حکومت (وحید مازندرانی در این تاریخ کارمند وزارت امور خارجه بود) تمامی مطالب مندرج در آن قابل استناد نیست. از این رو انجام پژوهشی جدید و مستقل در دوره حاضر، با توجه به اسناد و مکتوبات موجود می‌تواند زوایای جدیدی را از اصلاحات اقتصادی دوره رضا شاه مشخص سازد.

۲. فردریک لیست و اندیشه‌های اقتصادی وی (تئوری اقتصاد ملی)

لیست (۱۷۸۹-۱۸۴۶م) از معروفترین اقتصاددانان ملی‌گرای آلمانی بود که از وی به‌عنوان بنیان‌گذار مکتب ملی‌گرایی اقتصادی (اقتصاد ملی) نیز نام برده می‌شود. او مدتی رابه کارهای دولتی و تدریس می‌پرداخت و زمانی نیز به نمایندگی مجلس ورتمبرگ آلمان برگزیده شد. اگرچه به‌سبب عقاید سیاسی خود تحت تعقیب قرار گرفت و به آمریکا گریخت. پس از مدتی به کشورش بازگشت و در ایجاد اتحادیه‌های اقتصادی دولت‌های آلمان، نقش‌آفرینی کرد. لیست تمام تلاش خود را به تقویت و وحدت اقوام آلمانی زبان معطوف داشت و برای پیشبرد هدف خود به بسط و توسعه ارتباطات میان نقاط مختلف آلمان و تشویق احداث خطوط آهن پرداخت. مهمترین دیدگاه اقتصادی وی، تئوری «اقتصاد ملی» نام داشت که در آن به ملت به عنوان یک واحد مستقل اقتصادی نگاه می‌شد و از این منظر متفاوت با تئوری‌های اقتصادی رایج در زمان خود بود (دادگر، ۱۳۸۳: ۳۱۲؛ بدن، ۱۳۴۰: ۱۲۰).

لیست به دیدگاه تجارت آزاد انتقاد وارد می‌کند و اعتقاد دارد که این دیدگاه هنگامی امکان رشد و موفقیت پیدا می‌کند که نوعی جمهوری جهانی شکل بگیرد. از این رو به اعتقاد وی در وهله اول هر ملتی می‌بایست «اقتصاد ملی» مستقلی را برگزیند. مطابق با تئوری

اقتصاد ملی، استقلال هر کشور رابطه مستقیمی با رونق اقتصادی آن کشور دارد و تمامی حکومت‌ها باید برای دستیابی به اقتصادی قدرتمند، به صنعتی کردن کشور، ساخت کارخانه‌های متعدد، مکانیزه کردن کشاورزی، تولید مواد خام و در اختیار گرفتن منابع ملی و ... بپردازند. همچنین برای تقویت اقتصاد جامعه و حمایت از کالاهای ملی می‌بایست مبلغ بالایی را از کالاهای وارداتی به عنوان حق گمرک دریافت کنند (لیست، ۱۳۸۷: ۵۰-۵۵).

لیست اعتقاد دارد که از آن جهت که منابع و پایه‌های اقتصادی هر جامعه با جامعه دیگر تفاوت دارد، اقتصاد جهانی نمی‌تواند تئوری فراگیری ارائه دهد که بر اساس داشته‌های اقتصادی تمامی کشورها باشد. لذا هر کشوری تنها با ملی کردن اقتصاد خود می‌تواند به جایگاه رفیع اقتصادی و به تبع آن استقلال سیاسی دست پیدا کند (لیست، ۱۳۸۷: ۶۷-۷۳). این نکته را نیز می‌بایست در نظر داشت که لیست برای حضور دولت در اقتصاد، اهمیت زیادی قائل است و موقعیت اقتصادی هر کشور را به اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت و حکومت مرتبط می‌داند (دادگر، ۱۳۸۳: ۳۱۳).

۳. اقتصاد ایران در آستانه کودتای سوم اسفند

در دوران حکومت قاجار به دلیل واگذاری حکومت تعداد زیادی از ولایات مختلف به شاهزادگان قجری در برابر دریافت پول، عدم تمرکز در حاکمیت و دولت مرکزی به وجود آمده بود (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۳۳). با پیروزی انقلاب مشروطه میزان هرج و مرج‌های داخلی تشدید شد و با وقوع جنگ جهانی اول نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اوج خود رسید و به تدریج تمرکز حکومت محدود به مرکز ایران گردید. تجارت در ایران به دلیل ناامنی راه‌ها تضعیف شد و برخی از شیوخ جنوب کشور از وضعیت ایجاد شده استفاده کردند و با همکاری برخی تجار به قاچاق قند و چای که انحصار آن در اختیار دولت بود پرداختند (حبل‌المتین، ۴ ذیقعه ۱۳۴۴: ۱۱-۱۳؛ حبل‌المتین، ۲۲ رمضان ۱۳۴۳: ۱۹). وضعیت تا حدی بهم ریخته و آشفته شده بود که حتی برخی از شاهزادگان قاجار، نیز به حمل و نقل و تجارت غیر قانونی غلات دست می‌زدند (ساما: ۸۲/۷۵۱/۱؛ ساما: ۶۹/۲۷/۲۴).

توازن منفی واردات و صادرات کشور که همواره گریبانگیر اقتصاد ایران بود در این شدت پیدا کرد به طوری که واردات کشور از ۶۴۷ میلیون ریال در سال‌های ابتدایی جنگ

به ۴۸۲ میلیون ریال در سال ۱۲۹۹ ه.ش رسید و صادرات کشور از ۴۴۷ میلیون ریال به ۱۳۸ میلیون ریال کاهش یافت (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷). تولیدات کشاورزی نیز به دلیل نابودی روستاها و قنات‌های کشور در جنگ و مهاجرت روستاییان به مکان‌های دیگر تضعیف شد. به طور مثال تولید پنبه از ۱۴۰ هزار عدل در سال‌های پیش از جنگ به ۳ هزار عدل در سال ۱۲۹۹ ه.ش کاهش پیدا کرده و تولید ابریشم ۹۰ درصد کاهش یافت (میلیسپو، ۱۳۵۶: ۲۲۲، ۲۳۲). درآمد گمرک کشور نیز که یکی از منابع اصلی درآمد دولت بود در سال منتج به کودتا به دو سوم درآمد سال آغازین جنگ نمی‌رسید. حق‌الامتیاها نیز درآمدزا نبودند به طوری که شیلات شمال و شرکت نفت انگلیس و ایران تعهدات مالی خود را اجرا نمی‌کردند. مشکلات و ضعف‌های اقتصادی دولت به تدریج باعث ضعف سیاسی آن گشت و زمینه را برای سقوط حکومت آماده ساخت (یزدانی، ۱۳۹۶: ۱۸۷-۱۸۸).

در چنین شرایطی بخش زیادی از مردم جامعه ایران، روشنفکران و سیاستمداران بر لزوم وجود نظم به عنوان لازمه اصلی کشور، توافق نظر داشته و به اجماع رسیدند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۲۴). رضا خان میر پنج با استفاده از هرج و مرج درونی کشور و با تکیه بر قدرت نظامی نیروهای قزاق در اسفند ۱۲۹۹ ه.ش اقدام به کودتای نظامی در ایران نمود و تمامی رقبا را از صحنه قدرت کنار زد و به واسطه قوه قهریه توانست امنیت و نظم را در کشور به وجود آورده و به واسطه همین اتفاق برای خود کسب مشروعیت کند (یزدانی، شجاعی دیوکلائی، ۱۳۸۸: ۱۵۵).

۴. قدرت‌گیری رضاشاه و وقوع تحولات اقتصادی گسترده در کشور

با وقوع کودتا و گسترش اقتدار حکومت مرکزی از سال ۱۳۰۰ ه.ش به بعد جاده‌ها امن‌تر و راهزنی‌ها کمتر شد و در نتیجه هزینه حمل و نقل و خطر تجارت کاهش یافته و اقتصاد ایران تا حدودی بهبود پیدا کرد. از سوی دیگر درآمدهای نفتی کشور و صادرات غیرنفتی نیز به تدریج افزایش یافت. هرچند که این اتفاقات نشان از توسعه یافتگی کشور نداشت، بلکه بیشتر باعث گردید تا وضعیت آشفته اقتصادی به وجود آمده از جنگ و مشکلات داخلی سرو سامان پیدا کند. از سوی دیگر صنایع و معادن نیز رشد نسبی پیدا کردند، که این امور بیشتر در بخش خصوصی کشور صورت می‌گرفتند. کارگاه‌های سستی کوچک با کارگران عمدتاً غیر ماهر به تولید کالاهای مورد نیاز مردم مانند صابون، شیشه و منسوجات می‌پرداختند و کارخانه‌های بزرگتر نیز برای تولید شکر، کبریت، منسوجات و دیگر کالاهای

مصرفی به وسیله سرمایه گذران خارجی و گاه توسط دولت برپا می‌شدند. برخلاف صنایع، در زمینه گسترش معادن (عمدتاً نمک و ذغال سنگ) از همان ابتدا، سرمایه‌گذاری تقریباً به طور کامل در اختیار دولت قرار داشت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۳۵-۱۳۹؛ پرنو، ۱۳۲۴: ۷۴).

رضاخان به تدریج و برای عدم مواجهه با سرنوشت حکومت قاجار اقدام به تمرکز-گرایی سراسری در کشور نمود و پس از رسیدن به مقام سلطنت بر سرعت و شدت این امر افزود. به نظر می‌رسد که یکی از اهداف رضا شاه از انجام اصلاحاتی مانند ارتش نوین و منسجم، سیستم آموزشی جدید، اعزام محصل به خارج از کشور، تحولات گسترده در صنعت، خط آهن و راه سازی، بانک ملی و دولتی کردن و ایجاد تمرکز مرکزی در کلیه امور کشور بود (یزدانی، شجاعی دیوکلانی، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

از آنجایی که انجام این قبیل اصلاحات هزینه‌های سنگینی را برای دولت رقم می‌زد، حکومت رضا شاه همواره با کسری بودجه مواجه می‌شد و با توجه به بالا رفتن روز افزون هزینه‌های اداره کشور، یکی از دغدغه‌های اصلی حکومت پهلوی کسب و افزایش درآمد از هر طریق مشروع و نامشروعی بود. از همین رو این حکومت درآمد خود را با تمرکز گرایی در امر اقتصاد و از راه‌های زیر به دست می‌آورد: ۱- درآمد حاصل از امتیاز نفت ۲- انحصار منابع و مصادره اموال ۳- اعمال سیاست جدید گمرکی و مالیاتی ۴- اجرای سیاست صنعتی کردن کشور ۵- فروش زمین‌های دولتی (خالصه‌ها) ۶- اجرای سیاست‌های جدید در جهت توسعه کشاورزی (همان: ۱۶۷).

۵. تئوری اقتصاد ملی و پیاده‌سازی آن در دوران رضا شاه

آن‌طور که به نظر می‌رسد اقتصاد ایران در دوره رضا شاه، به مانند بسیاری از مسائل دیگر متأثر از تفکرات اقتصادی کشور آلمان بود. یوهان فیخته متفکر بزرگ آلمانی که به نوعی مفهوم جدیدی از ملت‌گرایی را در میان آلمان‌ها ترویج کرد، در سال ۱۸۰۰م. در کتابی با عنوان «کشور بازرگانی در بسته» یک نوع نظام تمامیت‌خواه را مجسم می‌کرد که در آن حکومت، طراحی و اجرای تمامی ابعاد اقتصادی را رأساً بر عهده می‌گرفت. از دیدگاه فیخته یکپارچگی اقتصادی کشور پدیده‌ای ضروری برای شکل‌گیری دولت-ملت مدرن بود (پالمر، ۱۳۸۳، ج ۱: ۷۱۱؛ Fichte, 1922: 28-100).

فردریک لیست در این حوزه از موافقان فیخته بود. وی در کتاب مشهور خود به نام «اقتصاد ملی» که در سال ۱۸۴۱ میلادی به نگارش درآمد، به تئوری‌های اقتصاد آزاد آدم

اسمیت و سایر متفکران اقتصادی طرفدار وی انتقاد وارد می‌کند و به طرفداری از اقتصادملی و دولتی بر پایه ناسیونالیسم می‌پردازد. نظریات وی بیشتر بر پایه دولتی کردن اقتصاد، صنعتی کردن کشور، محدود نمودن واردات و افزایش صادرات و محدودیت در خروج طلا و نقره از کشور و به طور کلی سیاست‌های حمایتی از تولیدات داخلی بر اساس دریافت گمرکی بالا از کالاهای خارجی بود که همین عوامل در شکوفایی اقتصادی آلمان در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم میلادی تأثیرات زیادی داشت (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۵۲-۹).

به‌طور کلی لیست ورود دولت به حوزه‌هایی همچون آموزش، تکنولوژی و صنعت را بسیار مهم و ضروری می‌دانست و معتقد بود که توان تولید در یک جامعه از ثروت با اهمیت‌تر می‌باشد (List, 1966: 144).

متفکران سیاسی و اقتصادی دولت ایران نیز که از سال‌های بعد از انقلاب مشروطه اقدام به بازسازی نظام اقتصادی ایران نموده بودند، بعد از به قدرت رسیدن رضا شاه تحت تأثیر اصلاحات اقتصادی آلمان خواسته یا ناخواسته به پیاده سازی نظریه «اقتصاد ملی» در ایران پرداختند.

برای مثال برنامه کابینه مستوفی الممالک دقیقاً منطبق بر بازسازی نظام اقتصادی کشور در جهت ساخت دولت مطلقه مدرن تدوین شده بود و جالب آن که نه بند از هجده بند اهداف ترسیمی این دولت به اصلاحات اقتصادی در جهت تقویت بنیان‌های اقتصاد ملی تخصیص یافته بود^۴.

روند اصلاحات تا حدی برای حکومت مهم بود که، رضا شاه، شخصاً با دخالت در کار دولت و مجلس خط مشی‌های اقتصادی برای تحول در اقتصاد ملی را دنبال می‌کرد. وی در نطق افتتاح مجلس ششم لزوم انجام اصلاحات اداری و اقتصادی در کشور را به عنوان کارهایی که دولت انجام خواهد داد، تبیین کرده و خواهان تصویب این لوایح توسط مجلس شورای ملی شد (اطلاعات، ۱۹ تیر ۱۳۰۵: ۱)^۵.

سخنان رضا شاه رامی‌تواند راسستای تشکیل دولت مطلقه مدرن و لزوم تقویت زیرساخت‌های اقتصادی کشور ایران بر پایه نظرات اقتصاد ملی ارزیابی کرده و به نظر می‌رسد همین خط مشی سبب نگارش مقالاتی در روزنامه اطلاعات در ضرورت اهمیت اقتصاد ملی و نیز تأثیر آشکار لزوم تقویت اقتصاد ملی در برنامه دولت مستوفی شده باشد.

در مقاله روزنامه اطلاعات به تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۰۵ نویسنده پیشرفت سیاسی را در گروه پیشرفت علمی و فرهنگی و پیشرفت علمی را در گروه اقتصاد معرفی می‌کند و می‌نویسد:

قبل از همه باید شکم‌های گرسنه را سیر کرد و بعد جسم‌های مریض را معالجه نمود و سپس به وسیله معارف دماغ‌ها را باز و آن وقت تماشا کرد که آزادی و حکومت ملی چگونه خود به خود مستقر و مستحکم خواهد شد (اطلاعات، ۲۸ شهریور ۱۳۰۵: ۱).

این مقاله سپس با نقد نظریات اشخاصی که پرداختن به اصلاحات اقتصادی در عصر پهلوی را بعضاً برخلاف مردمسالاری در ایران می‌دانستند چنین آورده است:

اول ما را هو کردند، بعد دیدند از یک طرف ما دستبردار نیستیم از طرفی جامعه مستعد قبول آن است، رفته رفته خود آن‌ها و سایر عوامل با هم با ماسرکت و معاضدت نموده، بالاخره اصلاحات اقتصادی یک فکر عمومی شده و... فکر عمومی قبلاً باید تشخیص بدهد که تمام این حرفها و زدوخوردها برای استقلال یک مملکت [است]. (همان).

روزنامه اطلاعات در مقاله‌های دیگری که در در دوازدهم و چهاردهم آذرماه ۱۳۰۵ به چاپ رسیده راه علاج بیچارگی ایرانیان و نیز تقویت «غرور ملی ایرانیان» را «توازن اقتصادی» می‌داند و تأکید می‌کند که برای حفظ شأن ملت ایران و خودکفایی در برابر سایر دولت‌ها و ملت‌ها در جهت تقویت بنیان‌های اقتصادی ملت ایران، بر تمام اجزای ملت ایران در اقصی نقاط کشور واجب است از خرید و استعمال کالای خارجی خودداری کنند (اطلاعات، ۱۲ و ۱۴ آذر ۱۳۰۵، ص ۱).

در همین راستا، همان‌طور که پیشتر گفته شد سیاست‌های اقتصادی کشور در دوران حکومت رضاشاه به سمت تمرکزگرایی اقتصادی از طریق رونق صنعت و دولتی کردن بنگاه‌های تجاری و اقتصادی سوق پیدا کرد. از این رو در این دوران دیگر خبری از تجارتخانه‌ها و صرافی‌های قدرتمند دوره قاجار نیست و بیشتر فعالیت‌های تجاری و اقتصادی به طور مستقیم زیر نظر حکومت و از کانال دولت صورت می‌گرفت.

۱.۵ اصلاح قوانین گمرکی

در راستای حمایت از تولیدات داخلی و تمرکزگرایی اقتصادی و جلوگیری از خروج ارز از کشور از همان سال‌های ابتدایی پس از کودتا اصلاحاتی در اقتصاد کشور به وجود آمد. در

سال ۱۳۰۱ ه.ش قانون منع خروج طلا و نقره از کشور به تصویب رسید و عوارض و مالیات از روی برخی کالاهای صادراتی مانند کتیرا برداشته شد (رحیمزاده صفوی، ۱۳۰۸، ج ۲: ۲۰۲). در همین سال کارخانجات کبریت‌سازی در اختیار تجار و صنعتگران ایرانی قرار گرفت و واگذاری امتیاز مشابه به کشورهای خارجی ممنوع اعلام شد (همان: ۱۹۸-۱۹۹). در سال ۱۳۰۴ ه.ش و در راستای صنعتی شدن کشور ورود ماشین‌آلات کشاورزی و صنعتی از مالیات معاف گردید. در راستای تمرکزگرایی اقتصادی نیز در سال ۱۳۰۷ ه.ش دولت ایران انحصار خرید و فروش تریاک و دخانیات را به تصویب مجلس رساند (همان: ۲۰۵)^۶

با تمام این اوصاف همچنان صادرات کشور نسبت به واردات در شرایطی ضعیف‌تر قرار داشت به طوری که سهم صادرات از کل معاملات تجاری کشور که حد فاصل سال‌های ۱۳۱۹ تا ۱۳۲۹ ه.ق رشد پیدا کرده و از ۳۳/۵۳٪ به ۴۳/۶۵٪ رسیده بود کاهش زیادی یافته و در سال ۱۳۰۷ ه.ش تنها ۲۱٪ مبادلات تجاری ایران را صادرات تشکیل می‌داد (همان: ۱۵۹). از این رو بر اساس سیاست‌های «اقتصاد ملی» که بر پایه حمایت‌های گمرکی از کالاهای داخلی استوار بود، قوانین گمرکی تازه‌ای در سال ۱۳۰۷ ه.ش تصویب شد و نسبت صادرات به واردات تا حدودی بهبود پیدا کرد. تا آن‌که در سال ۱۳۱۵ ه.ش قوانین گمرکی ایران مجدداً اصلاح گردید و تعرفه‌های گمرکی کشور از ۵٪ به ۱۵٪ تا ۲۰٪ افزایش یافت (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۵۱-۵۳) در راستای تمرکزگرایی بیشتر نیز قانون انحصار تجارت خارجی در اسفندماه ۱۳۰۹ ه.ش در مجلس ایران به تصویب رسیده و کل صادرات و واردات کشور در اختیار دولت قرار گرفت که این قانون به دلیل ضعف‌هایی که داشت چندین بار مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۶۵-۶۷)

۲.۵ اصلاحات در صنعت

آن‌طور که به نظر می‌رسد باورمندان به گفتمان ناسیونالیسم در این ایام با الگو برداری از اندیشه‌های متفکران آلمانی معتقد به تحول در صنعت و بروز انقلاب صنعتی گسترده در کشور بودند؛ تا بدینوسیله افزون بر کسب سود مالی، طبقه متوسط شهری نیز از نظر تعداد افزایش پیدا کند و زمینه‌های اجتماعی برای گسترش اندیشه ملی و تعمیق هویت ملی مورد نظر دستگاه حکومتی دولت مطلقه مدرن فراهم آید. آنان با مطالعه مجموعه تحولات اندیشه در اروپا، معتقد بودند که تحول در فرایند تولید کالا، موجب افزایش تولید، انباشت کالا و سرمایه، افزایش صادرات و رشد طبقه متوسط شهری و بورژوازی مستقل از مناسبات

ایلیاتی و نهایتاً نزدیکی ملت و دولت و به دنبال آن تقویت هویت ملی جدید ایرانی مورد حمایت ناسیونالیسم رسمی دولت ملی خواهد شد. در نتیجه برای پیاده سازی تفکرات اقتصادی و صنعتی نوین، حکومت رضا شاه به استخدام متخصصینی از کشورهای صنعتی جهان پرداخت.

در سندی به تاریخ ۲۲ سرطان ۱۳۰۲ وزارت فوائد عامه و تجارت از رئیس الوزراء درخواست کرد تا با اعزام یک نفر نماینده تجاری به آلمان جهت گسترش روابط اقتصادی با آلمان به ویژه انعقاد قراردادهایی در زمینه خرید ماشین آلات صنعتی موافقت نماید. وزارت فوائد عامه این امر را برای بسط صنایع ایران حائز اهمیت دانسته و تأکید می‌کرد به دلیل تنزل قیمت مارک آلمان امکان عقد قراردادهای پر منفعتی در این زمینه وجود خواهد داشت (ساما: سند شناسه ۲۴/۵۶۸۹).

هم چنین در سندی دیگر به تاریخ نوزدهم ثور ۱۳۰۳ وزارت فلاحه، تجارت و فواید عامه در نامه‌ای به رئیس کل مالیه کشور از حضور متخصصان فنی امریکایی در ایران جهت بررسی زمینه‌های سرمایه گذاری در ایران خبر می‌دهد (ساما، سند شناسه ۲۴/۱۰۴۹۹).

پس از تاجگذاری رضاشاه و تأسیس سلسله پهلوی در ایران، محمدعلی فروغی به عنوان نخست وزیر ایران علی اکبر داور را به عنوان وزیر فوائد عامه معرفی نمود. در دوران وزارت داور نیز بزرگترین راهکار دولت برای پیشرفت اقتصادی کشور توجه بیشتر به امر صنعتی کردن آن بود (حبیل‌المتین، رجب ۱۳۴۵: ۹). به طوری که برای تقویت این امر ماشین آلات صنعتی از مالیات معاف شده (حبیل‌المتین، ۲۸ شوال ۱۳۴۴: ۱۱؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۴۴: ۲۱؛ ۸ جمادی الثانی ۱۳۴۵: ۲۱) و تأسیس کارخانه های آهنگری، نخ تابی، ابریشم بافی، پشم ریزی، چرم سازی، کاغذ سازی و تولید قند جزو اولویت های حکومت قرار گرفت (حبیل-المتین: اذی‌قعدة ۱۳۴۵: ۲۴).

در اسفند سال ۱۳۰۸ قانونی به تصویب رسید که طی آن وزارت فوائد عامه جای خود را به دو وزارت خانه «طرق و شوارع» و «اقتصاد ملی» داد. تأسیس وزارت اقتصاد ملی گام مهمی در جهت اقدامات بعدی دولت مطلقه مدرن در جهت تقویت بنیه اقتصادی و صنعتی کشور بر پایه تئوری اقتصاد ملی بود و وظیفه این وزارتخانه «تکثیر قوه مولد ثروت عمومی» عنوان شده بود (مجموعه قوانین مصوب در سال ۱۳۰۹ خورشیدی: ۹-۸).

روند تمرکزگرایی اقتصادی و صنعتی کردن کشور در دوره رضاشاه تا حدی ادامه پیدا کرد که بودجه صنایع در سال ۱۳۲۰ ه.ش تقریباً پنجاه برابر رقم مربوط به سال ۱۳۱۳ ه.ش

گردید و سهم صنایع و بازرگانی از بودجه کل کشور از ۳/۱ درصد در سال ۱۳۱۳ ه.ش به ۲۴/۱ در سال ۱۳۲۰ رسید. بیشتر این بودجه به ساخت کارخانه‌های ماشینی و مدرنی رسید که عمدتاً به تولید قند و شکر، محصولات نخی و ابریشمی، مصالح ساختمانی و به میزان کمتری شیشه، کبریت، محصولات چرمی و ... اشتغال داشتند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۷). نکته جالب آن که بر طبق اسناد موجود در سازمان اسناد ملی ایران تعداد زیادی از متخصصین و صنعتگران آلمانی به دلیل وقوع بحران اقتصادی در آن کشور خواستار مهاجرت به ایران و استخدام در کارخانه‌های ایرانی بودند که درخواست برخی از آنان مورد پذیرش حکومت ایران قرار گرفت (شهرضایی، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۵، ۲۳، ۳۰، ۶۵).

در حد فاصل سال‌های ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۷ احداث کارخانه‌های جدید و بزرگ شدت پیدا کرد و تعداد کارگران استخدام شده حدود ۲۰۵ برابر شد (باریر، ۱۳۶۳: ۲۶۱؛ علم و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵). در سال ۱۳۰۴ حدود بیست کارخانه صنعتی جدید و تنها پنج کارخانه بزرگ وجود داشت این در حالی است که در سال ۱۳۲۰ تعداد کارخانه‌های مدرن به ۳۴۶ مورد رسید و با احتساب کارگران شاغل در صنعت نفت و کارخانه‌های کوچک، شیلات، راه آهن، معادن ذغال سنگ، بنادر و ... تعداد کارکنان بخش صنعتی کشور به بیش از ۱۷۰ هزار نفر رسید (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۸۲-۱۸۳).

با تمام این اوصاف، توجه ویژه حکومت به بخش صنعت و اعمال مالیات‌های جدید در حوزه‌های تجارت باعث بروز مشکلاتی در طبقه تجار کشور گردید. بخشی از آنان رو به سرمایه گذاری در صنعت آوردند و بخشی دیگر تضعیف شده و به مرور به ورشکستگی کامل رسیدند به طوری که از دولت استعانت می‌جستند و تمایل داشتند که به عنوان کارمند در ادارات دولتی استخدام شوند (اطلاعات، ۹ بهمن ۱۳۰۶: ۳؛ اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۰۶: ۳).

برخی از کارشناسان هدف رضاشاه از تقویت اقتصاد صنعتی در ایران را علاوه بر تأثیر مستقیم این مهم در ساخت اقتصاد ملی و به دنبال آن تقویت فرهنگ و هویت ملی ناشی از آن، تأمین نیازهای ارتش در خصوص صابون گلیسیرین، مس، سرب، پارچه و ... می‌دانند (صداقت کیش، ۱۳۵۲: ۵۱) که بر فرض پذیرش این تحلیل هدف دوم نیز عملاً در راستای اعمال سیاستهای دولت - ملت مدرن ایران و درونی شدن هویت ملی ایرانی مورد نظر رضاشاه بسیار حائز اهمیت بوده است.

۳.۵ اصلاحات کشاورزی

با پایان جنگ جهانی اول، تئوری‌های اقتصادی برآمده از ناسیونالیسم سیاسی، این باور را در میان دولتمردان کشورهای توسعه یافته به وجود آورد که هر کشوری می‌بایست نسبت به واردات نیازهای ضروری، از سایر کشورها استقلال داشته باشد. از این رو کشورهای صنعتی واردکننده مواد خام تلاش کردند تا بیشتر نیازمندی‌های غذایی و کشاورزشان را در داخل کشور خود تولید نمایند و غالب کشورهای توسعه یافته وارد معاهداتی شدند که از ورود محصولات کشاورزی و کالاهایی که تولید آن در داخل کشور مقدور بود، جلوگیری می‌کرد (Minderhoud, 1939: 256-258).

در همین دوران برخی از متفکران و اندیشمندان حوزه ناسیونالیسم نیز در راستای اجرا و پیاده سازی سیاست‌های اقتصاد ملی در کشور، انجام اصلاحات گسترده در زمینه کشاورزی را ضروری می‌دانستند. به‌طور مثال عبدالله رازی در کتاب خود، سیاست‌های دولت رضاشاهی در امر کشاورزی را تبیین می‌کرد و تأثیر رشد و استقلال کشاورزی بر خودکفایی اقتصادی کشور و تقویت روحیه ملی را تشریح می‌نمود (رازی، ۱۳۴۷: ۶۳۶).

در این دوران کاشت محصولات چغندر و پنبه که سبب گره خوردن امر کشاورزی با خواست صنعتی سازی کشور می‌شد و تقویت کارخانه‌های تازه تأسیسی همچون کارخانه‌های قند و نساجی را در پی داشت، بیشتر از پیش مورد حمایت دولت قرار گرفت. همچنین در جهت تقویت و ساخت اقتصاد ملی برای تشکیل دولت-ملت ایران، با اعطای وام‌های کم بهره و معافیت‌های مالی از این نوع محصولات کشاورزی حمایت گردید (رزاقی، ۱۳۷۵: ۲۲).

آن طور که به نظر می‌رسد دخالت دولت مطلقه در شئون مختلف زندگی مردم روستایی که تا پیش از آن بسیار کمتر با دولت مرکزی و سیاست‌سازی‌های آن در ارتباط بودند خاصیتی دوگانه داشت. از سویی اعمال حاکمیت دولت ملی را در سراسر کشور راحت‌تر می‌کرد و از سوی دیگر روستاییان را به ویژه در مناطق دور دست از بازارهای محدود محلی رها کرده و بازارهای کلان‌تر ملی را در اختیار آنان قرار می‌داد. و بدین ترتیب در جهت تقویت ملت ایران، اقتصاد ملی بیش از پیش تقویت می‌شد. باید در نظر داشت تقویت راه‌ها و حمل و نقل جاده‌ای و ریلی می‌توانست انتقال کالا و محصولات کشاورزی را تسهیل کند.

البته نباید از نظر دور داشت علیرغم تمامی آن چه آمد در بین سالهای ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ به طور متوسط تنها یک درصد کل بودجه کشور به کشاورزی اختصاص یافت. این روند کماکان تا پایان دوره پهلوی اول ادامه پیدا کرد و کشاورزی به شکل قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر بخش‌ها از بودجه دولتی کمتری بهره می‌برد (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۷۵-۱۷۶).

با تمام این اوصاف ایجاد صنایع غذایی و مصرفی مرتبط با کشاورزی از یک سو باعث ایجاد ارزش افزوده تولیدات کشاورزی شد و از طرف دیگر ضمن جلوگیری از خروج ارز برای خرید کالاهای مصرفی، باعث ایجاد اشتغال در داخل کشور گردید. به طوری که تأسیس، کارخانه‌های قند در زمین‌های مستعد کشت چغندر، کارگاه‌های تنباکو در رشت و اصفهان و گسترش کشت تنباکو در کشور، تا سال ۱۳۱۳ زمینه اشتغال ۱۵۰۰۰ نفر را فراهم کرده بود (Burrell, 1997: 521؛ غلامی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

به طور کلی سیاست‌های حکومت رضا شاه در زمینه کشاورزی روندی ثابت و یکسان نداشت. در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۶ حکومت در پی اجرای سیاست صنعتی سازی کشاورزی با هدف تولید محصولات کشاورزی مورد نیاز داخلی بود. در سال‌های پایانی حکومت رضا شاه و به دلیل انعقاد قراردادهای محرمانه با دولت آلمان، حکومت رضا شاه صنعتی سازی کشاورزی را از دستور کار خود خارج کرد و به صادرات مواد اولیه و خام کشاورزی به آلمان پرداخت (شجاعی دیوکلای، ۱۳۹۴-۱۳۹۵: ۱۳۷-۱۳۸).

۴.۵ تأسیس بانک ملی

پیشنهاد تأسیس بانکی ملی در ایران نخستین بار در دوره ناصرالدین شاه قاجار از سوی امین الضرب از صرافان مشهور تهران مطرح شد. پس از پیروزی انقلاب مشروطه در سال ۱۳۲۴ ه. ق. نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی ضمن مخالفت با استقراض از بیگانگان خواهان تأسیس بانک ملی شدند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، جلسه پنجم، دوازدهم شوال ۱۳۲۴ ه. ق) و در ذی‌عده ۱۳۲۴ اعلان تأسیس بانک ملی با سرمایه سی کرویر تومان (۱۵ میلیون تومان) مردم انتشار یافت. هرچند که این بار نیز با وجود حمایت‌های بخشی از صرافان و تجار مطرح کشورف تأسیس بانک ملی به دلیل کارشکنی‌های دولت‌های روسیه و انگلیس مغفول باقی ماند (جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۷۶).

با روی کار آمدن رضا شاه و تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی روشنفکران طرفدار وی، قانون «اجازه تأسیس بانک ملی ایران» در چهاردهم اردیبهشت ۱۳۰۶ در ششمین دوره

مجلس ملی به تصویب رسید (فرحبخش، ۱۳۹۱: ۱۲). تأسیس بانک ملی ایران به شکل ذاتی یکی از آرزوهای ملت ایران در جهت رسیدن به استقلال مالی به حساب می‌آمد. تأسیس این بانک و اعطای انحصار چاپ اسکناس که تا پیش از آن در اختیار بانک بریتانیایی موسوم به بانک شاهی بود نیز می‌توانست به عنوان نخستین گام‌های ملت ایران در جهت انگیزش توسعه اقتصاد ملی در جهت استقلال دولت-ملت ایران به شمار آید (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

این اتفاق در دولت مستوفی الممالک، صورت گرفت. ماده اول این قانون، هدف اصلی از تشکیل بانک ملی را «پیشرفت امر تجارت و فلاحت و زراعت و صنعت» عنوان می‌کرد و این امر حکایت از توجه ویژه حکومت به توسعه بخش‌های زیربنایی اقتصاد ایران داشت. بر اساس قانون دیگری که در آبان ماه همان سال به تصویب مجلس شورای ملی رسید، به منظور ایجاد تشکیلات و انتظام امور بانکی با موازین و قوانین صحیح و رایج، هیئتی از متخصصان آلمانی استخدام شدند و از شهریور ماه سال ۱۳۰۷ با مدیریت دکتر کورت لیندن بلات خدمات بانکی را دایر کردند (جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۸۲-۸۵).

بانک ملی ایران به سرعت رو به پیشرفت نهاد در اسفند سال ۱۳۱۰ ه.ش حق انحصاری چاپ اسکناس از سوی مجلس به بانک ملی اعطا شد و در فروردین ۱۳۱۱ نخستین اسکناس‌های این بانک به جریان افتاد (فرحبخش، ۱۳۹۱: ۱۲). در سال ۱۳۱۴ سرمایه بانک ملی افزایش یافت و با مشارکت در سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی مانند شرکت بازرگانی و کشاورزی که وزارت دارایی تشکیل داده بود و پرداخت وام برای کمک به احداث راه آهن، نقش مهمی را در تحولات اقتصادی و صنعتی کشور ایفا کرد. در سال ۱۳۱۷ وظایف بانک ملی ایران گسترش پیدا کرد و به موجب اساسنامه جدید، «حفظ ارزش پول و تنظیم اعتبارات» در زمره مسئولیت‌های اصلی بانک قرار گرفت (جهانشاهی، ۱۳۳۸: ۱۰۰). در ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ اساسنامه تازه‌ای به تصویب مجلس یازدهم شورای ملی رسید که به موجب آن مدیر کل، قائم‌مقام و معاونان بانک و اعضای هفت‌گانه شورای عالی بانک باید ایرانی می‌بودند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره یازدهم، جلسه ۵۲، ۲۲ مرداد ۱۳۱۷).

در اردیبهشت سال ۱۳۱۸ «صندوق پس انداز ملی» زیر نظر اداره بانک ملی ایران، تشکیل شد که به حساب‌های پس انداز سپرده‌گذاران سود بانکی می‌داد. ماده ششم قانون تأسیس این صندوق بیان می‌داشت که: «به پس اندازهای کمتر از ۵۰۰۰۰ ریال چهار درصد

کوشش برای بازسازی ساختار اقتصادی ایران در دوره رضا شاه ... ۱۰۱

و به مبلغ بیش از ۵۰۰۰ ریال الی ۲۰۰۰۰ ریال سه درصد در سال سود داده خواهد شد و به مازاد ۲۰۰۰۰ ریال سود تعلق نمی‌گیرد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره یازدهم، جلسه ۸۸، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸). به احتمال بسیار دلیل تصویب این قانون جلوگیری از انباشت سرمایه و مشارکت آن در فعالیت‌های اقتصادی بود.

۵.۵ نفت و قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳)

آن چه مسلم است قرارداد داری و امتیاز نفت به شرکت نفت ایران و انگلیس جزو بزرگ‌ترین مسائل و معضلات اقتصادی ایران در دوران پهلوی بود. حکومت رضا شاه با توجه به سیاست‌های اقتصاد ملی تمایل زیادی به ملی کردن منابع اقتصادی کشور داشت و از نفوذ و قدرت انگلیسی‌ها در صنعت نفت ایران گله مند بود. نزول شدید و ناگهانی درآمد دولت ایران از محل فروش نفت تا ۳۱۰۰۰۰ لیره، نارضایتی ایرانیان از این امر را بیشتر از گذشته نمود (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۳).

از سوی دیگر شرکت نفت هم چون دولتی مستقل در درون دولت ایران عملاً حاکمیت ملی ایران را نقض کرده، از ورود مأمورین دولت ایران و نیز شهروندان عادی ایرانی به مناطق نفت خیز جنوب بدون تذکره عبور جلوگیری می‌کرد (رحمانیان، ۱۳۹۱: ۲۹۲). همچنین گزارش‌های متعددی از نقض حقوق شهروندی ایرانیان در خوزستان و اقدام علیه حاکمیت ملی ایران از سوی شرکت در دست بود.^۷

مجموع این عوامل سبب شد رضاشاه پرونده مربوط به امتیاز داری را به داخل بخاری بیافکند و فرمان الغای آن امتیازنامه را صادر کند. اگر چه در نهایت با امضای قرارداد جدید نفتی در سال ۱۹۳۳ یعنی تا ۶۰ سال پس از عقد قرارداد تمدید شده (شوادران، ۱۳۴۴: ۴۱) و عملاً دولت از مواضع اقتصادی خود در حوزه نفت کوتاه آمد.

در آن ایام روزنامه اطلاعات در راستای تهییج احساسات ملی گرایانه ملت ایران و توجه آنان به ابعاد اقتصادی این اتفاق در خبری فوق‌العاده درباره لغو قرارداد داری این گونه نوشته بود:

شوق و شعف مفروطی که بر اثر مژده الغای امتیازنامه نفت جنوب برای ما دست داده است نتوانستیم این خبر برجسته و مهم را تا فردا عصر به عهده تعویق اندازیم... افکار عمومی همین انتظار را از سرپرست حقیقی خود داشت... [این] بهترین عیدی است که از طرف شخص اول مملکت به ملت اعطا شده است. به پاس این عطیه بزرگ و از

بین رفتن یک قرارداد موهن و شومی که ثروت مملکت را برابر ثمن نجسی از دست داده بود، مقتضی است تمام طبقات جشن بگیرند، در ضیافت و سرور شرکت نمایند و این قدم حکومت ترقی خواه را با هلهله و شادمانی استقبال نمایند. (اطلاعات، ۱۷ آذر ۱۳۱۱).

با تمام این اوصاف این نکته را باید در نظر گرفت که به‌طور کلی درآمدهای نفتی کشور در دوره رضا شاه افزایش پیدا کرد و از ۴۶۹ هزار پوند استرلینگ در سال ۱۲۹۹ به بیش از ۴ میلیون پوند در سال ۱۳۱۸ - ۱۳۱۹ رسید (سینائی، ۱۳۸۴: ۲۰۰).

۶. نتیجه‌گیری

در پایان این گفتار می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دولت مطلقه مدرن رضاشاه برپایه گفتمان ملی و حمایت بخشی از روشنفکران ایران، تلاش داشت تا با ایجاد تحول در زمینه‌های مختلف اقتصادی همچون حمایت از محصولات کشاورزی استراتژیک، حمایت از صنعت و تجارت، تأسیس بانک ملی و... زمینه‌های لازم برای ایجاد اقتصاد ملی و ادغام اقتصادهای خرد محلی در این اقتصاد را فراهم آورد. این تحولات بنیادین اقتصادی که ناشی از استحاله فکری و فرهنگی حکومت و ترویج دیدگاه‌های ناسیونالیستی در کشور رقم خورده بود، تحت تأثیر «تئوری اقتصاد ملی» فردریک لیست صورت پذیرفت. همان‌طور مشخص شد، فردریک لیست پیشرفت اقتصاد در یک جامعه را منوط به بالا رفتن قدرت اقتصادی حکومت، تقویت صنعت و ساخت کارخانه‌های صنعتی، مکانیزه کردن کشاورزی، تولید مواد خام، تعیین تعرفه گمرکی و... می‌دانست. حکومت رضا شاه نیز مطابق با این دیدگاه به اصلاح ساختار اقتصادی کشور پرداخت و تلاش گسترده‌ای برای صنعتی نمودن کشور، ساخت کارخانه‌های متعدد و تقویت و مکانیزه کردن کشاورزی صورت داد. در این دوره همچنین برای بالا بردن قدرت مالی حکومت و حمایت از تولیدات داخلی، تعرفه‌های گمرکی افزایش پیدا کرد، معادن و منابع طبیعی ملی اعلام شد و بانک ملی تأسیس گردید. اگر چه صنعت نفت مهمترین منبع مالی و حوزه اقتصادی کشور بود که حکومت رضاشاه با وجود تلاش‌هایی که صورت داد، نتوانست تئوری اقتصاد ملی را در آن پیاده سازی کند و به افزایش درآمد حداقلی در آن رضایت داد و قرارداد نفتی را مجدد تمدید نمود.

کوشش برای بازسازی ساختار اقتصادی ایران در دوره رضا شاه ... ۱۰۳

در نتیجه می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که دیدگاه‌های اقتصادی حکومت رضاشاه تا حدود زیادی بر پایه تئوری اقتصاد ملی فردریک لیست بنا شده و پیاده سازی این تئوری در اقتصاد کشور نیز نسبتاً موفقیت آمیز بوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. هر چند که به مرور زمان و با انجام اصلاحات اقتصادی جدید و تمایل حکومت به تمرکزگرایی اقتصادی و صنعتی کردن کشور و اعمال محدودیت‌های مالیاتی جدید بخشی از تجار رو به سرمایه گذاری در صنعت آوردند و بخشی دیگر تضعیف شده و به مرور به ورشکستگی رسیدند.

۲. برای آشنایی با اندیشه‌های فیخته درباره اقتصاد ملی ن.ک به :

Fichte, *Addresses to German nation*, translated by R.F Jones and G.H turnbull, Chicago, Chicago open court publishing, 1922, pp 28-165

۳. برای مطالعه این کتاب‌ها رجوع کنید به: لیست، فردریک (۱۳۷۰): *نظام ملی اقتصاد سیاسی*؛ ترجمه ناصر معتمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار؛ لیست، فردریک (۱۳۷۸): *اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها*، ترجمه عزیز کاکاوند، تهران: نشر دیدار؛ لیست، فردریک (۱۳۸۷): *اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها*، ترجمه ناصر معتمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۴. بند ۲: اصلاح و توسعه تجارت و تسهیلات راجع به ترانزیت و رفع اشکالات موجود آن. بند ۳: اهتمام و ترویج و ترقی زراعت و مخصوصاً سعی در تکثیر محصولات قابل صدور مثل پنبه و بستن سدها برای آبیاری. بند ۴: تهیه لایحه برای فروش تدریجی خالصجات بطور مزایده و تخصیص عایدات فروش آن به تأسیس بانک فلاح. بند ۵: تأسیس بانک رهنی. بند ۶: تهیه و تقدیم لایحه اصلاح مالیه. بند ۷: تقدیم لوایح تدریجی برای اعطای امتیازاتی که برای استفاده از منابع ثروت مملکت لازم است و تقدیم و تشویق اتباع داخله از حیث سهولت شرایط. بند ۸: تسریع در تأسیس کارخانه ذوب آهن. بند ۹: اصلاح و توسعه راه‌های شوسه. بند ۱۰: اجرای تصمیم پنجم راجع به نقشه برداری خطوط مختلف آهن و تعیین اهم و اصلح... نگاه کنید به: اطلاعات، ۲۶ شهریور ۱۳۰۵.

۵.

... اهتمام و مراقبت خاص نمایندگان ملت را در دوره حاضره به ترقی احوال اقتصادی مملکت دعوت می‌کنم و برای نیل به این مقصود دولت لوایح لازمه راجع به ساختن راه‌های آهن، شوسه و

استخراج منابع ثروت مملکت و ترویج صنایع علی‌الخصوص ترقی و توسعه زراعت و فلاحیت به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد کرد، اصلاحات لازمه در عموم ادارات مملکت و وسایل حسن جریان امور که مستلزم آسایش و ترقی مملکت می‌باشد منظور نظر ماست و اکیداً توصیه شده است که لوایح مقتضیه راجع به اصلاحات مزبور به مجلس پیشنهاد شود... توحید مساعی و اتفاق کلمه [را] به نمایندگان ملت خاطر نشان نموده توفیق آنان را در ادای وظایفی که برعهده گرفته‌اند از خدا مسئلت می‌نماییم..

۶. پیش از به قدرت رسیدن رضا شاه و در سال‌های پس از مشروطه نیز دولت ایران برای صنعتی‌تر شدن کشور امتیازات کارخانه‌های چرم‌سازی، صابون‌پزی و روغن‌کشی را به تجار ایرانی واگذار کرده و ماشین‌آلات آنان را برای چند سال از گمرکی معاف می‌نمود که این روند در سال‌های ابتدایی قدرت‌گیری رضا شاه نیز ادامه پیدا کرد. برای مطالعه بیشتر ن.ک به رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۰۷، ج ۲: ۱۹۵-۲۰۵.

۷. برای اطلاع بیشتر از اقدامات مخرب شرکت نفت ن.ک به: نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳) (۱۳۷۸)، تهران، اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور.

کتاب‌نامه

اسناد سازمان اسناد ملی ایران به شناسه‌های: ۸۲/۷۵۱/۱، ۶۹/۲۷/۲۴، ۲۴/۵۶۸۹، ۲۴/۱۰۴۹۹.

روزنامه‌ها:

اطلاعات: سال اول، ش ۱، ۱۹ تیر ۱۳۰۵؛ سال اول، ش ۲۶، ۳۰ شهریور ۱۳۰۵؛ شیروانی، «قانون مهاجرت به ایران»، سال اول، شماره ۳۲، ۲۸ شهریور ۱۳۰۵؛ «راه علاج چیست»، ۱۲ و ۱۴ آذر ۱۳۰۵؛ ۱۳۰۶ اسفند؛ ۱۳۰۶؛ ۹ بهمن ۱۳۰۶؛ ۷ آذر ۱۳۱۱.

حبل‌المتین: سال ۳۳، ش ۱۱، ۲۲ رمضان ۱۳۴۳/۱۷ آوریل ۱۹۲۵. سال ۳۴، ش ۱۵، ۴ ذی‌القعده ۱۳۴۴/۱۸ مه ۱۹۲۶؛ ۲۸ شوال ۱۳۴۴، ش ۱۴؛ ۱۱ ذی‌القعده ۱۳۴۴، ش ۱۶؛ ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵، ش ۲۵، سال ۳۵، ۱۳ رجب ۱۳۴۵، ش ۵؛ ۱ ذی‌القعده ۱۳۴۵، ش ۱۸-۱۹.

مرد امروز: علی‌اکبر داور، «سرمقاله» سال اول، شماره ۱۷، دلو ۱۳۰۱

کتاب‌ها و مقالات:

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و ابراهیم فتاحی، چاپ یازدهم، تهران: نی.

آذری شهرضایی، رضا (۱۳۷۴)، دولت ایران و متخصصان مهاجر آلمانی (۱۳۱۰-۱۳۱۹)، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

کوشش برای بازسازی ساختار اقتصادی ایران در دورهٔ رضا شاه ... ۱۰۵

باریر، ج (۱۳۶۳)، *اقتصاد ایران ۱۹۰۰-۱۹۷۰* م، تهران: مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی و سازمان برنامه.

بدن، لویی (۱۳۴۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، هوشنگ نهاوندی، تهران: چاپخانه بهمن.

بیات، کاوه (۱۳۷۱)، «اندیشه سیاسی داور و تاسیس دولت مدرن در ایران»، گفتگو، شماره ۲.

پالمر، رابرت روزول (۱۳۸۳)، *تاریخ جهان نو*، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران، امیرکبیر.

پرنو، موریس (۱۳۲۴)، *در زیر آسمان ایران*، ترجمه کاظم عمادی، تهران، کتابفروشی محمدعلی علمی.

جهانشاهی، عبدالعلی (۱۳۳۸)؛ *تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران: ۱۳۰۷-۱۳۳۷*، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.

دادگر، یدالله (۱۳۸۳)؛ *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*، قم: انتشارات دانشگاه مفید.

داور، علی اکبر (۱۳۰۱)، «سرمقاله»، مرد امروز، شماره ۱۷

رازی، عبدالله (۱۳۴۷)، *تاریخ کامل ایران*، تهران: اقبال.

رحمانیان، داریوش (۱۳۹۱)، *ایران بین دو کودتا*، تهران: سمت.

رحیم زاده صفوی (۱۳۰۸)، *ایران اقتصادی*، جلد اول، تهران: کتابفروشی ترقی.

رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵)، *گزیده اقتصاد ایران*، تهران: امیرکبیر.

سینائی، وحید (۱۳۸۴)، *دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران*، تهران: کویر.

شجاعی دیوکلائی (۱۳۹۴-۱۳۹۵)، «ظهور و افول کشاورزی صنعتی در عصر رضا شاه ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹»، *تاریخ ایران*، شماره ۱۹، صص ۱۱۵-۱۴۰.

شوادران، بنجامین (۱۳۴۴)، *خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ*، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

صداقت‌کیش، جمشید (۱۳۵۲)، *صنایع در توسعه اقتصادی ایران*، تهران: خوشه.

علم، محمدرضا؛ دشتی، فرزانه؛ میرزایی، بیژن (۱۳۹۳)، «برنامه تجدد و نوسازی ایران در عصر رضا شاه پهلوی»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱، صص ۶۱-۸۶.

غلامی، شهرام (۱۳۹۳)، «نظام اقتصاد جهانی و صنعتی سازی جایگزین واردات در دوره رضا شاه: اهداف و پیامدها»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.

کاتوزیان، محمد علی (همایون) (۱۳۸۰)، *دولت و جامعه در ایران*، ترجمه حسن افشاری، تهران، نشر مرکز.

کاتوزیان، محمد علی (همایون) (۱۳۷۴)، *اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، ج ۵، تهران، نشر مرکز.

کاتوزیان، محمد علی (همایون) (۱۳۹۱)، *اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله قاجار*، تهران: نشر مرکز.

- لمبتون، آ.ک.س (۱۳۷۵)، *ایران عصر قاجار*، ترجمه سیمین فصیحی، تهران، نشر جاودان خرد.
- لیست، فردریک (۱۳۷۰)، *نظام ملی اقتصاد سیاسی*؛ ترجمه ناصر معتمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- لیست، فردریک (۱۳۷۸)، *اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها*، ترجمه عزیز کاکاوند، تهران: نشر دیدار.
- لیست، فردریک (۱۳۸۷)، *اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی: تجانس‌ها و تعارض‌ها*، ترجمه ناصر معتمدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مجموعه قوانین مصوب در سال ۱۳۰۹ خورشیدی، تهران: روزنامه رسمی.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی: دوره اول، جلسه پنجم، دوازدهم شوال ۱۳۲۴ه.ق؛ دوره یازدهم، جلسه ۵۲، ۲۲ مرداد ۱۳۱۷؛ دوره یازدهم، جلسه ۸۸، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸.
- میلسپو، آرتور سی (۱۳۵۶)، *مأموریت آمریکایی‌ها در ایران*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: انتشارات پیام.
- نفت در دوره رضاشاه، اسنادی از تجدید نظر در امتیازنامه داری (قرارداد ۱۹۳۳) (۱۳۷۸)، تهران: اداره کل آرشیو، اسناد و موزه دفتر رئیس‌جمهور.
- نوبین فرحبخش، فریدون (۱۳۹۱)، *راهنمای اسکناس‌های ایران*، تهران: نشر فرحبخش.
- وحید مازندرانی، غ. (۱۳۱۶)، *اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران*، تهران: بی‌جا.
- یزدانی، سهراب؛ شجاعی دیو کلائی، سید حسن (۱۳۸۸)، «تأثیر تمرکز گرایی بر اقتصاد سیاسی عصر پهلوی اول»، *تاریخ ایران*، شماره ۶۱/۵.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۶)، *کودتاهای ایران*، تهران، نشر ماهی، انتشارات ماهی.

Fichte, J, *Addresses to German nation*, translated by R.F Jones and G.H turnbull, Chicago, Chicago open court publishing, 1922, .

List, Friedrich (1966), *The National System of Political Economy*, Newyork: Augustus M. Kelly.

Minderhoud, G. (1939): *International Trade in Relation to Agricultural Development*; in proceedings of the international conference of agricultural economist, London.

Burrell. R. M. (1997): *Iran Political Diaries*, London, Archive editions.